

ظهور سینما در ایران و نمایش نخستین فیلم ناطق ایرانی (دختر لُر)

زهرا میرزائی پری*

Pa_Mirza@yahoo.com

چکیده

بانی ورود نخستین دوربین فیلمبرداری و نمایش فیلم در ایران، مظفرالدین شاه و اولین فیلمبردار ایرانی هم ابراهیم خان عکاس باشی است. این رویداد، درست پنج سال بعد از اختراع دستگاه سینماتوگراف به دست برادران لومیر در پاریس بود. نمایش فیلم دختر لُر، نخستین فیلم ناطق فارسی، با کوشش عبدالحسین سپنتا در هندوستان فراهم شد و در سال ۱۳۱۳ ش. / ۱۹۳۴ م. اولین بار در سینما مایاک و سینما سپه تهران به نمایش عمومی گذاشته شد که با فروش فوق‌العاده روبرو گردید.

کلیدواژه‌ها:

فیلم ناطق، ایران، دختر لُر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* کارشناس ارشد باستانشناسی و تاریخ هنر.

روز شنبه ۲۸ دسامبر ۱۸۵۵م. / ۱۸ ربیع الثانی ۱۲۷۲ق. / ۷ دی ۱۲۳۴ش.، برادران لومیر دستگاهی را در زیر زمین گران کافه راه انداختند و آن را «سینما توگراف» نامگذاری کردند. سینما توگراف، عکسهای متحرک نشان می‌داد. همه مردم می‌توانستند با پرداخت یک فرانک، بیست دقیقه عکس متحرک تماشا کنند. سینما توگراف، دستگاه پیچیده‌ای بود که لوئی لومیر با چرخاندن دستک آن، عکسهای متحرک را روی پرده سفیدی نشان می‌داد. برادران لومی‌یر پس از استقبال پاریسیها از سینما توگراف، برای جهانی کردن پدیده نوظهور خود، نمایندگانی به کشورهای مختلف جهان فرستادند تا آنها را نیز با دستگاههای نمایش عکس متحرک آشنا کنند. نخستین ایرانیهایی که با اختراع نوظهور آشنا شدند، مسافران و تاجران بودند که به قصد سیاحت و تهیه اجناس و اشیائی که در ایران خریدار داشت، به اروپا و آمریکا و آسیا سفر می‌کردند. ابراهیم صحافباشی تهرانی، از همان نخستین کسان بود. سه سال بعد از او، مظفرالدین شاه و میرزا ابراهیم عکاسباشی، در اروپا با دستگاه سینما توگراف آشنا شدند و دستگاه نمایش را با خود به ایران آوردند تا «اهل حرم» و «نوکرها» را با این پدیده آشنا سازند.^۱ سینما، این جادوی قرن، وقتی پا به عرصه وجود گذاشت، چنان طوفان سهمگینی به پا کرد که طومار هر آنچه را تا پیش از آن هنرش می‌نامیدند، یا درهم پیچید یا به خدمت خود درآورد. شگفت آنکه برخلاف همه صاحبان قدرت و زور که به سنت ماندگار تاریخ، هر یک اجل مقدری داشتند و حلاوت باده سرمستی ناشی از نشئه پیرویشان چند صباحی بعد با جام زهر آگین

مرگ خاتمه یافت، این جهانگشای بی‌مثال، ماندنی شد و عزیز دردانه! و گفتا که بی‌هیچ زوری بل با طیب خاطر و رضایت و تسلیم،^۲ و تقدیر این بود که سینمای ایران، روز ۱۸ ربیع الاول ۱۳۱۵ق. / ۲۷ مرداد ۱۲۷۶ش. / ۱۷ اوت ۱۸۹۷م. در بلاد فرنگ متولد شود که نخستین فیلم بلند ایرانی، تقلیدی از یک فیلم فرنگی باشد، و سازنده نخستین فیلمهای ایرانی، مهاجری ارمنی تبار باشد و بدین ترتیب، نخستین فیلمهای ناطق به زبان فارسی در استودیوهای بمبئی ساخته شد و این واقعه تاریخی، سرآغاز شکل‌گیری پدیده‌ای در سرزمین ما شد که در دهه‌های بعد، تأثیرهای بسیار بر زندگی مردم گذاشت و اینک، صدایش در دنیا نیز طنین انداخته است.

گاهشمار نمایش فیلم در ایران^۳

سال ۱۳۱۸ق. / ۱۹۰۰م. / ۱۲۷۹ش.، مظفرالدین شاه، نخستین سفر فرنگ خود را به مقصد دیدار از نمایشگاه بین‌المللی پاریس و استفاده از آبهای معدنی شهر کنتراکسویل فرانسه آغاز کرد. یازدهم تیر «طرف عصری به عکاسباشی فرمودیم، آن شخصی که به توسط صنایع السلطنه از پاریس» «سینموفتگراف» و «لانترن ماژیک» آورده است، اسباب مزبور را حاضر کند که ملاحظه نمائیم. رفتند، نزدیک غروب او را حاضر کردند. رفتیم به محلی که نزدیک مهمانخانه است که نوکرهای ما در آنجا شام و ناهار می‌خورند، نشستیم، اتاق را تاریک کردند؛ هر دو اسباب را تماشا کردیم؛ بسیار چیز بدیع خوبی است. اغلب امکان «اکسپوزسیون» را، به طوری در عکس به شخص تماشا می‌دهد و

مجسم می‌نماید که محل کمال تعجب و حیرت است! اکثر دورنما و عمارات «اکسپوزسیون»، «نمایشگاه بین‌المللی پاریس» و حالت باریدن باران و رودخانه سن و غیره و غیره را در شهر پاریس دیدیم و به عکاسباشی فرمودیم که همه آن دستگاهها را ابتیاع نماید.»

[این حادثه، پنج سال پس از رواج اختراع برادران لومیر در پاریس رخ داده است.]

۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ق. / ۲۷ مرداد ۱۲۷۹ش. / ۱۸ اوت ۱۹۰۰م. در اوستاند [ostende] بلژیک. «امروز عید گل است... تمام کالسکه‌ها را [با] گل مزین کرده و توی کالسکه و چرخها را پر از گل نموده بودند که کالسکه پیدا نبود و خانمها سوار کالسکه شده، با دسته‌های گل جلوی ما عبور می‌کردند و عکاسباشی هم مشغول عکس سینمو فتگراف اندازی بود...»

۱۳۱۹ق. / ۱۲۸۰ش. / ۱۹۰۱م. - در بهار، میرزا ابراهیم خان عکاسباشی،^۴ به دستور مظفرالدین شاه از شیرهای باغ وحش فرح آباد و آئین قمه‌زنی سبزه میدان در محرم فیلمبرداری کند.

- روزنامه خاطرات غلامعلی خان عزیز السلطان (ملیجک شانی)، و روایت وی از دستگاه سینموفتگراف؛

۱۳۲۱ق. / ۱۲۸۲ش. / ۱۹۰۳م. - آبان، به روایت ملیجک، در ماه رمضان میرزا ابراهیم خان صحافباشی،^۵ حیاط پستی مکان آنتیک فروشی خود را در خیابان لاله زار تهران، جهت نمایش فیلم مرتب می‌کند.

۱۳۲۲ق. / ۱۲۸۳ش. / ۱۹۰۴م. - در ماه رمضان، میرزا ابراهیم خان صحافباشی، نخستین سالن عمومی

سینما را در ابتدای خیابان چراغ گاز افتتاح می‌کند. ۱۳۲۵ق. / ۱۲۸۶ش. / ۱۹۰۷م. - آبان، مهاجری قفقازی به نام آقاییوف، یک سالن سینما را از ۲۴ رمضان در قهوه‌خانه زرگر آباد، خیابان چراغ گاز تهران، افتتاح می‌کند. فیلمی از جنگ روس و ژاپن، برنامه افتتاحیه این سینماست.

- روسی خان^۶ [Roussie Khan]، با خرید یک دستگاه نمایش و پانزده حلقه فیلم (هر کدام بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ متر) از کمپانی پاتۀ فرانسه، ابتدا مشغول کار نمایش در اندرونی دربار و خانه نجبا و اشراف و سپس، از ابتدای ماه رمضان، در عکاسخانه خود در خیابان علاءالدوله (فردوسی) تهران می‌شود.

- میرزا ابراهیم خان صحافباشی، اموالش «ایضاً یک دستگاه ماشین سینه‌موتوگراف و پرده‌های متعدد آن» را به حراج می‌گذارد و از ایران خارج می‌شود.

۱۳۲۶ق. / ۱۲۸۷ش. / ۱۹۰۸م. - روسی خان پس از بازگشت از روسیه، طبقه فوقانی مطبوعه فاروس را در خیابان لاله‌زار تهران اجاره و با کمک حیدرخان عمواغلی، یک سالن سینما در آن محل افتتاح می‌کند. این سالن، بعدها به نام فاروس معروف می‌شود و دارای دستگاه مولد برق، بادبزن و بوفه هم هست.

- روسی خان و آقاییوف، در پی رقابت با یکدیگر بر سر سینماداری، به زندان افتادند.

- روسی خان پس از آزادی از زندان، یک سالن جدید را در بازارچه قوام الدوله تهران افتتاح می‌کند. بهای بلیت این سینما دو، سه و پنج ریال است.

- آبادانها در سینمای سیار انگلیسیها، گاهی

فیلمهای خبری کوتاه تماشا می‌کنند.

۱۳۳۰ق. / ۱۳۹۱ش. / ۱۹۱۲م. - آرتا شس پاتماگریان^۲ با همراهی آنتوان خان^۳ سوریوگین [Antoine Ser ruguine]، یک سالن سینما در خیابان علاءالدوله (فردوسی) تهران تأسیس می‌کند.

۱۳۳۷ق. / ۱۳۹۸ش. / ۱۹۱۹م. - حاج یحیی شیرازی فیروزی صاحب عکاسخانه‌ای در بوشهر، نخستین سینمای این شهر را - که میان مردم به سینمای حاج یحیی عکاس شهرت می‌یابد - افتتاح می‌کند. این سینما، پس از یک سال بر اثر اعتراض مخالفان تعطیل می‌شود.

۱۳۰۳ش. / ۱۹۲۲م. - نخستین سالن سینما به سبک امروزی به نام گراند سینما، توسط علی وکیلی در گراند هتل خیابان لاله‌زار تهران، افتتاح می‌شود.

فروردین ۱۳۰۷ش. / آوریل ۱۹۲۸م.: لایحه دولت راجع به اخذ تمبر از بلیتهای ورودیه نمایشگاهها می‌رسد: «وزارت مالیه، مکلف است از بلیتهای ورودیه نمایشگاه و مجالس تفریح عمومی، بر طبق قانون مصوبه ۲۶ سنبله ۱۳۰۳ش. / ۱۷ سپتامبر ۱۹۲۴م.] حق تمبر مأخوذ و عایدات خالص آن را به بلدیة همان محل تحویل نماید.»

۱۳۰۷ش. / ۱۹۲۸م. - گراند سینما به مناسبت جلب توجه خانمهای تماشاگر، سری اول و دوم یک فیلم را یکجا به نمایش می‌گذارد. در ورودی خانمها از گراند سینما و آقایان از گراند هتل است: «کارکنان گراند سینما و همچنین اداره جلیله نظیمه، به وسیله مأمورین خود، از ورود زنهای بی‌عفت و جوانان هرزه و فاسد العقیده به محل سینما ممانعت و از فروش بلیط به آنها خودداری

خواهد کرد. لازم است خودشان هم از تهیه بلیط صرف‌نظر [کنند] و ورود ننمایند.»

اردیبهشت ۱۳۰۸ش. / مه ۱۹۲۹م.، سینما صنعتی تهران توسط خانابا معترضدی^۴ و علی‌نقی وزیر^۵ در مؤسسه عالی موسیقی در خیابان لاله‌زار تهران، و مخصوص خانمها افتتاح می‌شود. بهای بلیط این سینما دو، سه و پنج قران است و خانمها می‌توانند با داشتن بلیط سینما، علاوه بر فیلم، از برنامه‌های ارکستر مدرسه عالی موسیقی نیز استفاده کنند.

۱۳۰۹ش. / ۱۹۳۰م. - در مدرسه آرتیستی سینما «نخستین مدرسه سینمائی در ایران، توسط اوانس اگانیانس^۶ در خیابان علاءالدوله (فردوسی) تهران، با نام نویسی از ۳۰۰ نفر آغاز به فعالیت می‌کند. در این مدرسه، سرانجام برای هیجده شاگرد به طور رسمی و سه نفر به طور خصوصی موسیقی، عکاسی، بالست، بازیگری، ورزش سوئدی، فیلمبرداری، ژیمناستیک و رقصهای شرقی و اروپائی تدریس می‌شود.

- مهر، دولت برای نخستین بار، عوارض بر نمایش فیلم را به میزان ۱۵ درصد در تهران و ۱۰ درصد در شهرستانها مقرر می‌دارد.

- نخستین لایحه نمایش در سینما، از جانب انجمن بلدیة تهران و توسط وزارت داخله به هیئت دولت می‌رسد و تصویب می‌شود.

دی ۱۳۰۹ش. / ۱۷ ژانویه ۱۹۳۱م.، نخستین فیلم سینمائی داستانی ایرانی به نام آبی و رابی به کارگردانی اوانس اگانیانس، از دوازدهم دی در سینما مایاک به نمایش در می‌آید.

۱۳۱۱ش. / ۱۹۳۳م. - تنها نسخه فیلم آبی و

رابی «اوانس اگانیانس ۱۳۰۹ش. / ۱۹۳۱م.) - که در اختیار ساکوار لیدزه، تهیه کننده و صاحب سینما مایاک بود - در حریق این سینما بکلی می‌سوزد و از بین می‌رود.

از ۲۸ آبان ۱۳۱۲ش. / ۱۹ نوامبر ۱۹۳۳م. دختر لر عبدالحسین سپنتا^{۱۲} به عنوان نخستین فیلم ناطق ایرانی - که با امکانات کمپانی امپریال فیلم بمبئی در هند ساخته شده - در سینما مایاک تهران به نمایش در می‌آید.



عبدالحسین سپنتا

فیلم دختر لر را، یک نفر هندی و یک نفر ایرانی به نام عبدالحسین سپنتا ساخته‌اند. عبدالحسین سپنتا، جوانی فاضل که تحصیلاتش را در ایران در مدرسه سن‌لوئی فرانسوی و کالج آمریکائی به پایان رسانده بود و شیفته فرهنگ ایران باستان بود، در سفری پژوهشی به هندوستان، با اردشیر ایرانی از پارسیان هند و صاحب مؤسسه فیلمسازی امپریال فیلم آشنا می‌شود. این آشنائی، با مقدمه‌ای که سپنتا به تئاتر و بازیگری داشت و مهری که در دل اردشیر ایرانی به زادگاه اجدادش بود، آن دو را مصمم به تهیه یک فیلم ناطق فارسی

می‌کند. تهیه فیلمنامه و ایفای نقش اول به عهده سپنتا واگذار می‌شود. او، همچنین به عنوان دستیار و مشاور کارگردان، به جستجو برای یافتن بازیگران ایرانی و مکانهایی که با طبیعت ایران بخواند، می‌پردازد. تلاش سپنتا برای پیدا کردن زن فارسی‌زبانی که حاضر به بازی در فیلم باشد، به جایی نمی‌رسد و بناچار دست به دامن همسر راننده اردشیر خان می‌شود. صدیقه سامی نژاد که یک اشکال عمده هم داشت و آن لهجه غلیظ کرمانی‌اش بود. سپنتا او را راضی می‌کند؛ با این وسوسه که به عنوان اولین هنر پیشه زن وارد تاریخ سینمای ایران خواهد شد و شد و شگفتا که بیش‌تر به خاطر همان لهجه غلیظ کرمانی‌اش!

فیلم دختر لر، با داستان ساده و همه پسندش، با صحنه‌های متنوعش، و با خصوصیتی که حال و هوای زندگی ایرانی را داشت، و این همه را می‌توان نتیجه بینش درست و نقش خلاق سپنتا در کمک به اردشیر خان، کارگردان آن دانست، صمیمانه به دل ایرانیان نشست. فیلم دختر لر - آن طور که عادت آن روزهای مردم بود - خیلی زود به نام شخصیت‌های اصلی‌اش یعنی به نام «جعفر - گلنار» مشهور شد و با این مشخصات عرضه شد.^{۱۳}

رژیستور: اردشیر ایرانی؛

حکایت و منظره: اردشیر ایرانی؛

ضبط صدا: بهرام ایرانی؛

برداشتن فیلم: هادی ایرانی، رستم ایرانی؛

اشعار و مذاکرات: ع. سپنتا؛

بازیگران مهم: روح انگیز: گلنار.

در جستجو و پیگیریهای همه جانبه، سرانجام

همسر یکی از کارمندان استودیو به نام «روح انگیز»،

متقاعد شده بود به عنوان نخستین بازیگر زن سینمای ایران - [که همیشه در تاریخ به یاد خواهد ماند] - جهت ایفای نقش اصلی فیلم «دختر لر» برگزیده شد. نام کامل روح انگیز، روح انگیز سامی نژاد بود که بعدها نام فامیل «صدیقه دماوندی» را برای خود انتخاب کرد تا در تیر رس سرزنش اطرافیان قرار نگیرد.

ماجرای فیلم، بازگویی حکایت گروهی از راهزنان به سرکردگی «قلی خان» است که گردنه‌ای را در لرستان - که محل عبور کاروانها است - در اختیار گرفته و به هنگام عبور کاروانها، به آنها حمله [می‌کند] و همه دارائیشان را به تاراج برده و زنان را نیز به اسیری می‌گیرد. یک مفتش دولتی (جعفر)، مأمور سرکوب «قلی خان» می‌شود. وی، ابتدا به قهوه‌خانه‌ای [در] نزدیک گردنه - که معمولاً کاروانها در آن شب را می‌گذرانند - وارد می‌شود. در آنجا گلنار را می‌بیند. گلنار، اسیر قلی خان است. او، ناچار است در قهوه‌خانه - که پاتوق راهزنان نیز هست - برای رمضان قهوه‌چی و یکی از آدمهای قلی خان کار کند. رمضان در مقابل پول، به اصطلاح خودش گلنار را به شیخ واگذار می‌کند؛ ولی با دخالت بموقع جعفر، نقشه‌اش عقیم می‌ماند. گلنار، شیفته جعفر شده است؛ ماجرای زندگیش را تعریف می‌کند. او، از خانواده تاجر محترمی بوده است و در حمله دزدان به شهر، پدر و مادرش کشته و خودش به اسیری گرفته شده است. جعفر، صبح روز بعد با کاروان همراه می‌شود. «رمضان»، قبلاً زمان حرکت کاروان را به قلی خان خبر داده است. «قلی خان»، کاروان را مورد سرقت و کشت و کشتار قرار می‌دهد، اما جعفر در برابرشان

مقاومت کرده، در جریان درگیری زخم برمی‌دارد. گلنار پس از اطلاع [از] ماقوع، به یاری جعفر می‌رود، ولی هر دو اسیر قلی خان می‌شوند. جعفر - که فرصتی به دست می‌آورد - به اتفاق گلنار می‌گریزد. قلی خان، مانع راهش می‌شود و درگیری فیما بینشان پدید می‌آید. جعفر، طی درگیری او را به قتل رسانیده و به همراه گلنار خود را به بندر می‌رساند و از آنجا با کشتی به بمبئی می‌گریزد. سالها بعد، جعفر با اطلاع از ترقیات کشور، به همراه گلنار به ایران بازمی‌گردد.^{۱۴}

«اولین فیلم ناطق فارسی، در آینده نزدیکی به طهران خواهد رسید. اولین فیلم ناطق و موزیکال فارسی که به توسط کمپانی فیلمبرداری فارسی در هندوستان و در تحت توجه «خان بهادر اردشیر ایرانی» با اشتراک آرتیستهای ایرانی برای ایرانیان تهیه شده است و بزودی در تهران به نمایش گذاشته خواهد شد. برای اسم و موضوع فیلم، منتظر اعلان ثانوی باشید.»

کمپانی فیلمبرداری فارسی «امپریال» فیلم کمپانی بمبئی.^{۱۵}

این، متن اولین آگهی فیلم «دختر لر» است که در شماره ۴۱۰۲ هفتم خرداد ماه ۱۳۱۲ ش. / ۲۸ مه ۱۹۳۳ م. روزنامه ایران به چاپ رسیده است. زمان نمایش فیلم «دختر لر» فرا می‌رسد: سینما مایاک و سینما سپه، از ۳۰ آبان ۱۳۱۳ ش. / ۲۱ نوامبر ۱۹۳۴ م. نمایش فیلم را آغاز می‌کنند. استقبال از فیلم بی سابقه است. در شرایطی که سینماها اکثراً هفته‌ای دو فیلم تعویض می‌کنند، سی و هفت روز سینما مایاک و صد و بیست روز سینما سپه، فیلم را

نمایش می دهند.

نمایش فیلم «دختر لر»، با توفیق خارق العاده‌ای به سال بعد می کشند. از ۲ مرداد ۱۳۱۳ ش. / ۲۴ ژوئیه ۱۹۳۴ م. به مدت یک ماه در سینما مایاک و از چهارم آذر ماه تا بیست و چهارم دیماه همین سال به مدت ۵۰ روز در سینما سپه، نمایش داده می شود. سینما سپه برنامه‌های بعدیش کنار کرد جالبی ندارد. برای بار سوم از تاریخ ۳۰ اسفند ۱۳۱۳ ش. / ۲۱ مارس ۱۹۳۵ م. تا ۲۷ اردیبهشت ۱۳۱۳ ش. / ۱۷ مه ۱۹۳۴ م.، به مدت ۵۹ روز دیگر فیلم را نمایش می دهد. اینچنین توفیقی، کمپانی امپریال فیلم بمبئی را به فکر بهره‌برداری از این اقبال عمومی می اندازد. نماینده‌ای به تهران گسیل داشته و بقیه محصولاتش را نیز تدریجاً روانه تهران می کند و به نمایش در می آورد. این اقبال تنها از جانب تماشاگران نبود، بلکه تحلیل‌گران فیلم و سینما نیز در روزنامه‌های وقت، فیلم «دختر لر» را ستودند.

در سال ۱۳۱۳ ش. / ۱۹۳۴ م. دواگیری در وزارتخانه‌های داخله، معارف و بلدیة برای ترغیب دست اندرکاران به ساختن فیلمهای تبلیغاتی و خبری و استفاده از سینما در زمینه پیشبرد تجدد و ساختن بناها و کارخانه‌ها تشکیل می شود. در این خصوص هیئت تشکیل می شود و ۴۱ ماه طول می کشد تا این هیئت آئین‌نامه‌ای را در ۷ ماده تصویب کند.

۱۳۱۴ ش. / ۱۹۳۵ م. با افزایش سالنهای سینما در تهران و شهرستانها، نخستین نظامنامه سینماها در ۷۱ ماده به تصویب هیئت وزرا می رسد که به شرح زیر می باشد:

نظامنامه سینماها^{۱۶}

۱- تأسیس سینما، موقوف به اجازه رسمی از طرف اداره شهربانی [است] و بدون اجازه رسمی، هیچکس نمی تواند سینما دائر کند. در اجازه‌نامه، درجه سینما مطابق یکی از درجاتی که در این نظامنامه معین است، قید خواهد شد.

۲- کسانی که طبق ماده (۱) موفق به اخذ اجازه‌نامه شده‌اند، مکلفند اجازه مزبور را در بلدیة ثبت نمایند تا بلدیة، از افتتاح آن سینما مستحضر شده و به وظایف خود عمل نماید.

۳- افتتاح سینما بدون رعایت مواد ۱ و ۲، ممنوع است.

۴- بلدیة هر شهر از لحاظ صحی و ساختمان و هرگونه تعمیرات اساسی، در مؤسسات سینما نظارت خواهد داشت.

۵- نقشه ساختمانی این قبیل مؤسسات، باید از تاریخ اجرای این نظامنامه، قبلاً به تصویب بلدیة هر شهر رسیده و پس از تحصیل اجازه کتبی، اقدام در ساختمان بنمایند.

۶- مؤسسات سینما، به سه درجه تقسیم می شود:

سینماهای درجه اول

۷- سینمای درجه اول، به مؤسساتی اطلاق می شود که واجد شرایط ذیل باشند:

۸- دارای دستگاه نمایش دهنده دوپل ناطق باشند که نو و بدون عیب بوده و مورد تصدیق متخصص فنی وزارت پست و تلگراف واقع گردد.

۹- در هر پرگرامی، حداقل سه فیلم به ترتیب ذیل به معرض نمایش بگذارند:

- ۱- فیلم اخبار که از مدت وقوع آنها بیش از دو ماه نگذشته باشد.
- ۲- فیلم علمی یا صنعتی یا جغرافیائی و یا ورزش.
- ۳- فیلمهای بزرگ نمایش که تاریخ ساخت آن از یک سال تجاوز ننموده و طول فیلم از دو هزار متر کم تر نباشد.
- ۱۰- فیلمهای درجه اول و معروف کارخانه های مهم، از قاعده فوق مستثنا بوده و می توان آنها را تا دو سال بعد از تاریخ ساخت، به معرض نمایش گذارد.
- به جای فیلم علمی - صنعتی، جغرافیائی یا ورزش، مؤسسات سینما مجاز خواهند بود که یک یا دو فیلم دیگر نمایش دهند.
- ۱۱- حداکثر قیمت بلیطها، نباید از ده ریال تجاوز نموده و از دو ریال کم تر باشد.
- ۱۲- برای درجات از پنج ریال به بالا، محل نشیمن تماشاچیان باید صندلیهای فنردار باشد.
- ۱۳- مؤسسات سینمای درجه اول، مجاز نیستند بدون اجازه مخصوص اداره شهربانی، فیلمی را که یک دوره در سالن خود نمایش داده اند، مجدداً برای دفعه دیگر در همان مؤسسه و یا در سینمای درجه اول دیگر نمایش دهند.
- ۱۴- مدیران سینمای درجه اول، موظفند در داخل سالنهای خود دستگاههای مخصوص تصفیه هوا، مطابق بهترین نوع نصب نمایند.
- ۱۵- سینماهای درجه اول، مجاز نیستند بیش از یک مرتبه تنفس داده و مدت آن را بیش از ده دقیقه قرار دهند.
- ۱۶- مساحت لژ سینماهای درجه اول،

می باید^{۱۷} اقلاً برای یک لژ چهار نفری دو متر در دو متر و لژهای شش نفری سه متر در دو متر باشد؛ به طوری که بیش از دو نفر پشت سر یکدیگر واقع نشوند و قرار دادن بیش از تعدادی که برای لژ تعیین شده، ممنوع است.

۱۷- هر سینمای درجه اول، مکلف است پرگرام روزانه خود را طبع نموده و یک نسخه آن را مجاناً به خریداران بلیط بدهد.

۱۸- پرگرام، باید دارای مشخصات ذیل باشد:
الف - تاریخ و ساعات شروع نمایش؛
ب- اسامی فیلمهایی که در آن شب نمایش داده می شود؛

ج - خلاصه ای از موضوع فیلم به زبان فارسی.
۱۹- استعمال زبان فارسی، در پرگرامها اجباری و ترجمه آن به السنه خارجه اختیاری است.

سینماهای درجه دوم

۲۰- سینماهای درجه دوم ناطق، به مؤسساتی اطلاق می شود که واجد شرایط ذیل باشند:

الف - دارای دستگاه نمایش دهنده بدون عیب و نقص؛
ب- علاوه بر فیلم بزرگ معمولی، در پرگرام یک فیلم دیگر نیز ارائه دهند.

۲۱- قیمت بلیطها، نباید از پنج ریال تجاوز نماید.

۲۲- در سینماهای درجه دوم، برای تصفیه هوا، باید وسائل حفظ الصحه به طور مناسب فراهم بشود.

۲۳- سینماهای درجه دوم، می توانند در یک شب دو مرتبه تنفس دهند؛ به طوری که مدت هر یک از پنج دقیقه تجاوز ننماید.

سینماهای درجه سوم

۲۴- سینماهای درجه سوم، به مؤسساتی اطلاق می‌شود که فیلم صامت نشان دهند.

۲۵- قیمت بلیطهای سینمای درجه سوم، نباید از سه ریال تجاوز نماید.

شرایط عمومی

۲۶- هر کس اعم از تاجر فیلم یا مدیر مؤسسه سینمایی - که فیلم وارد ایران می‌کند - مکلف است صورت اسامی حقیقی فیلمهایی را که در نظر دارد در سه ماه بعد به معرض نمایش بگذارد، با ارائه اسناد و مدارک معتبری که دال بر وقوع معامله و مالکیت او است، ضمن تقاضانامه به اداره شهربانی تسلیم نماید تا فهرست مزبور در آن اداره ثبت و حق تقدم تقاضا کننده برای نمایش فیلمهای ثبت شده برای مدت شش ماه از تاریخ تقاضا، محفوظ بماند.

۲۷- اداره شهربانی، هیچ فیلمی را که یک مرتبه قبلاً به اسم یک نفر تاجر یا مؤسسه سینما به ثبت رسانده، به اسم دیگری ثبت نخواهد نمود، مگر اینکه شش ماه از موعد ثبت آن گذشته باشد.

۲۸- چنانچه کسی به قصد تقلب یک فیلمی را با تغییر اسم حقیقی آن به ثبت برساند، مشمول ماده ۷۰ خواهد بود.

۲۹- ارائه هرگونه فیلم ناطق مستعمل - که صدای آن مفهوم نیست - ممنوع است.

۳۰- تغییر اسم حقیقی فیلم، ممنوع است.

۳۱- وارد کنندگان فیلمهای ناطق، موظفند تاریخ ساخت هر فیلمی را که وارد می‌کنند، به موجب ورقه [ای] که از کمپانی تحصیل نموده و یا مدارک مسلمة دیگر، تسلیم اداره شهربانی بنمایند.

۳۲- کلیتاً، هیچ فیلمی را نمی‌توان به معرض نمایش عامه گذارد، مگر اینکه قبلاً فیلم مزبور را مأمورین مربوط معاینه نموده و جواز نمایش آن را داده باشند. اداره شهربانی، نظریه قطعی خود را نسبت به این موضوع، متتها به فاصله بیست روز از تاریخ تقاضا، به مؤسسه مربوطه اعلام خواهد نمود.

۳۳- مدیران سینما، مکلفند نمره جواز نمایش مذکوره در ماده ۳۱ را، به اول هر فیلم اضافه نموده و در پرده نمایش دهند.

۳۴- اداره شهربانی ضمن صدور جواز هر فیلم، در صورتی که نمایش آن فیلم را در هر یک از نقاط ایران صلاح ندانند، در آن ورقه قید خواهند نمود و مدیران سینما، موظفند که از ارائه آن فیلم در نقاط ممنوعه، احتراز نمایند.

۳۵- مؤسسات سینما، به هیچوجه اجازه نخواهند داشت علاوه بر تعداد صندلیهایی که دارند، بلیط بفروشند.

۳۶- مدیران سینما، مکلفند چنانچه فروش هر درجه از بلیطها به اتمام رسیده باشد، موضوع را برای استحضار مراجعه کنندگان به خط خوانا و درشت، به وسیله نصب تابلو مخصوص در بالای محل فروش بلیط، اعلام دارند.

۳۷- مؤسسات سینما، مکلفند بلیطها را به ترتیب نمره‌بندی با ارائه نقشه مکان در محل فروش بلیط به مشتریان فروخته و به این ترتیب، صندلی آنها را برای یک جلسه (سئانس) معین، محفوظ دارند.

۳۸- برای هر فیلمی که اداره شهربانی، ورود اطفال تا سن هجده سال را مناسب نداند، در اجازه‌نامه، منع ورود آنها قید خواهد شد و این منع،

- باید به خط درشت در مدخل سینما اعلان شود.
- ۳۹- ورود اطفال از پنج سال کم‌تر، مطلقاً ممنوع است.
- ۴۰- برای اطفال از پنج تا ۱۴ سال، قیمت بلیط باید نصف محسوب شود و به تماشاگران دبیرستانها و دانشکده‌ها - که سن آنها از ۱۴ سال متجاوز باشد - یک ثلث تخفیف داده شود.
- ۴۱- ساعات شروع نمایشهای^{۱۸} شبانه در فصول تابستان و زمستان، به ترتیب ذیل اجباری بوده و کلیه سینماها، موظف به رعایت آن هستند. در هوای باز همه روزه از ساعت ۸ بعدازظهر در سالونهای زمستانی، همه روزه از ساعت شش و نیم بعد از ظهر؛ ولی مؤسسات سینما، مجاز خواهند بود قبل از ساعات مذکوره، نمایش اضافی نیز بدهند. ولی در هر حال، شروع نمایش معمولی، نباید دیرتر از ساعت مقرر باشد.
- ۴۲- ارائه نمایشهای^{۱۹} خصوصی، باید با اجازه مخصوص اداره شهرداری باشد و به غیر از این ترتیب، ممنوع است.
- ۴۳- نمایش چند فیلم به طور نمونه از پروگرامهای آینده در یک شب ممنوع است؛ فقط اجازه داده می‌شود که از یک فیلم متها دوریست و پنجاه متر از پروگرام بعدی در هر شب ارائه داده شود.
- ۴۴- کلیه مؤسسات سینما، مکلفند همه قسم وسایل جلوگیری از حریق را پیش‌بینی و فراهم نمایند.
- ۴۵- دستگاه نمایش دهنده سینماهای درجه اول و دوم، باید طوری باشد که در موقع احتراق فیلم، به خودی خود فیلم را خاموش نماید.
- ۴۶- سینمای الکتریک، باید به وسیله

- روپوشهای مخصوص - که مانع از حریق است - محفوظ شود.
- ۴۷- فاصله موتور الکتریک از محل نمایش، باید اقلأ «۴۰ متر» بوده و یا محل نصب آن طوری ساخته شده باشد که در صورت وقوع حریق، به هیچوجه سرایت به محل نمایش نکند.
- ۴۸- در هر دو طرف سالن نمایش سینماهای درجه اول و دوم، به تناسب هر چهار ردیف صندلی، می‌باید^{۲۰} یک درب خروجی قرار دهند که به وسیله فنر باز و بسته شده و عموماً به سمت خارج باز گردد. برای ورود، بیش از ۴ درب نمی‌توان اختصاص داد.
- ۴۹- قرار دادن هر شیئی در راهروها - به طوری که مانع عبور باشد - ممنوع بوده و نیز درب ورودی از خیابان را همیشه باید باز نگاهداشته و هیچ قسم شیئی که باعث زحمت عبور و مرور باشد، در مدخل سینما قرار ندهند.
- ۵۰- در داخل سالن و راهروها، باید به حد کافی وسایل اطفای حریق نصب شود.
- ۵۱- اطراف محلی که دستگاه نمایش دهنده در آن قرار گرفته، باید به وسیله مواد نسوز^{۲۱} محصور و از استعمال درب چوبی یا گذاردن مواد محترقه و یا فیلمهای پراکنده، خودداری شود.
- ۵۲- حداقل درجه حرارت سالن زمستانی، نباید از ۱۶ [درجه] سانتیگراد کم‌تر بوده و مدیران سینما، موظفند که اقلأ دو عدد میزان الحرارة^{۲۲} صحیح در داخل سالن نصب نمایند که همیشه میزان حرارت را معین نمایند.
- ۵۳- مؤسسات سینمای درجه اول، موظفند به نسبت تعداد هر یکصد صندلی، یک مستراح مطابق

دستور و نقشه بلديه در داخل محوطه خود بسازند و همچنين، محل مناسبى باتصويب بلديه برآى رختكن زمستانى اختصاص دهند.

۵۴- هر سينماى درجه اولى، مكلف است به اندازه ربع وسعت سالن نمايش خود، محلى جهت منتظرين و موقع تنفس اختصاص دهد.

۵۵- هيچ سينمائى، اجازه ندارد بيش از دو ردیف لژ تخصيص دهد.

۵۶- انتقال صدای صفحات گرامافون يا فيلم از داخل سينما به خيابان و معابر عمومى، ممنوع است.

۵۷- مديران مؤسسات سينماهاى درجات اول و دوم، مكلفند تغيير هر پرگرام را اقلأ يك بار در يکى از جرايد كثيرالاتشار محلى به زبان فارسى با قيد تاريخ و ساعات شروع، اعلان نمايند.

۵۸- حداقل فاصله بين پرده سينما و اولين ردیف مقابل آن در سينماهاى درجه اول شش متر، در درجات دوم ۴ متر و درجات سوم، ۳ متر خواهد بود.

۵۹- فاصله بين ردیف صندليها، نبايد كمتر از شصت سانتيمتر باشد.

۶۰- سواى اعلانات دولتى و بلدى، انتشار اعلانات متفرقه در روى پرده، جز در فواصل دو جلسه «سنانس»، ممنوع است.

۶۱- نصب يا گذاشتن تير و يا تابلوهاى پايدار به منظور اعلان در مقابل مدخل سينما، ممنوع است.

۶۲- چنانچه به واسطه وقوع حادثه غيرمترقبه، تمام يا قسمتى از نمايش - كه برآى آن بليط به تماشاچيان فروخته شده - تعطيل گرديد، مديران سينما مكلفند قيمت بليط را به خريداران مسترد دارند.

۶۳- هر مؤسسه سينمائى، مكلف است مدير

مستول خود را به اداره شهربانى و بلديه محل، كتباً معرفى نمايد.

۶۴- مديران سينماهاى درجات اول و دوم، موظفند به هر يك از مأمورين خود - كه سمت هدايت تماشاچيان را در داخل محوطه سينما دارا مى باشد - يك عدد «چراق برق جيبى»^۳ بدهند تا بدين وسيله در راهنمائى و تعيين جا تسهيل شود.

۶۵- سواى قيمت بليط، مطالبه و اخذ هرگونه وجوه ديگرى به هر عنوان كه باشد از تماشاچيان، ممنوع است.

۶۶- كاركنان سينماها، موظفند نسبت به تماشاچيان با نهايت ادب و نزاکت رفتار نموده و به مراجعات حقه آنان ترتيب اثر بدهند.

۶۷- كليۀ مؤسسات سينماهاى درجات اول و دوم، در انتهاى نمايش روزانه خود، «سلام ايران»^۴ را به وسيله ارکستر يا صفحات گرامافون، برآى استماع تماشاچيان و رعایت احترامات لازم، خواهند نواخت.

۶۸- فروش هر نوع اغذيه و اشربه در سالن نمايش سينما در موقع نمايش فيلم، اکيداً ممنوع است.

۶۹- استعمال دخانيات در داخل سالونهاى كليۀ سينماها، ممنوع است.

۷۰- متخلفين از اين نظامنامه، به سه تا پنج روز حبس يا تاديه يازده تا پنجاه ريال غرامت محكوم خواهند شد و در صورت تکرار محکوميت بيش از ده بار در سال، مؤسسه مربوط از طرف اداره شهربانى بسته شده و اجازه نامه آن مسترد خواهد گرديد.

۷۱- اين نظامنامه، از تاريخ تصويب مجرا خواهد بود.

وزير عدليه - محسن صدر

از طرف وزير داخله - همایون سياح

پیدایش و بهره‌برداری

ورود سینما به ایران از طریق مغرب زمین - که تولیدکننده و منبع اصلی سینمای جهان است - منشأ پیدایش مسائلی و حضور جریانهای درمیان مردم گشت. معضل بزرگ کم سواد و فقر فرهنگی، باعث شد کم‌تر سینماگری یافت شود که با ادبیات و هنر این مرز و بوم آشنائی داشته باشد. اکثر سینماگران، از فرهنگ بومی جامعه و مردم شناسی ایران آگاهی نداشتند و متأسفانه این صنعت بدیع، در ایران آن نتیجه مطلوب و دلخواه را به همراه نداشت، بلکه به واسطه افتادن آن به دست یک دسته از افراد سودجو، نتایج معکوسی از آن مترتب می‌شد. ممکن است نمایش فیلمی در فرانسه از لحاظ اخلاق هیچ منافاتی با فرهنگ کشور مذکور نداشته باشد، اما نمایش همان فیلم در ایران، برای اخلاق و روحيات ما اثرات غیرقابل جبرانی به همراه داشته باشد؛ چنانکه برخی از روحانیون و مردم، طبق اسناد^{۲۵} نمایش و سینما را اشاعه فحشا و توهین به مقدسات اسلامی و شنیدن نغمه‌های خوش راه، حرام می‌دانستند و آن را مولد پیدایش امراض جسمی و روحی دانسته و وقت گذاشتن برای فیلمها را، موجب تضييع وقت جامعه و سست کردن پایه عقاید و ایمان مردمان می‌شمردند که البته در این باب اعلامیه خطی صادر کردند.

قریب سه ماه بعد از چاپ این گونه اطلاعات، لایحه «نمایشها و سینماها» از طرف وزارت کشور به هیئت دولت ارائه و تصویب گردید.^{۲۶}

مقررات مربوط به سینماها

افتتاح سینما، باید با اجازه کتبی شهرداری باشد.

- هر سینمائی، مکلف است مسئول تعیین و

کتباً به شعبه معارف بلدیه معرفی نماید.

- مدیر سینما، ملزم است که پیش از نمایش

هر فیلمی، تقاضای جواز نماید و موظف است که فیلم تقاضا شده را قبلاً در سالن غیرعمومی به نماینده معارف ارائه بدهد تا در صورت لزوم، از نقطه نظر اخلاق، جرح و تعدیل لازم را به عمل آورند.

- هر قسمت از فیلم را که نماینده معارف

منافی با اخلاق و عفاف بداند، قطع نموده، با حضور مدیر سینما در قوطی گذارده، لاک و مهر کرده، در مقابل رسید کتبی، تحویل و تسلیم مشارالیه خواهد داشت...

وزارت کشور - اداره سیاسی نمایشات

مواد دو، سی و دو، سی و چهار، پنجاه و یک

و پنجاه و دو.

آئین‌نامه سینماها و مؤسسات نمایشی - که به

شماره ۲۰۸۶ تصویب شده بود - به شرح زیر

اصلاح و تصویب می‌شود:

ماده ۲- تقاضانامه مذکور در مرکز در کمیسیون

نمایش - که مرکب از نمایندگان وزارت کشور،

وزارت فرهنگ، [و] شهرداری کل کشور، اداره کل

انتشارات رادیو، سازمان اطلاعات و امنیت کشور

تشکیل می‌گردد - بررسی خواهد شد و در

شهرستانها، در کمیسیون مرکب از فرماندار و رئیس

فرهنگ و رئیس انتشارات و رادیو و رئیس سازمان

اطلاعات و امنیت کشور یا نمایندگان آنها، مورد

رسیدگی قرار می‌گیرد.

تبصره ۱- چنانچه بعضی از ادارات نامبرده در

ماده ۲ در شهرستانی نماینده نداشته باشند،

کمیسیون باحضور نمایندگان سایر ادارات مذکور مندرج در ماده ۲، رسمیت خواهد داشت.

تبصره ۲- کمیسیون، با در نظر گرفتن کلیه مقررات مربوط به تأسیس این قبیل اماکن، مکلف است نظر خود را در رد یا قبول درخواستها کتباً تا مدت پانزده روز به متقاضی اعلام دارد. پروانه صادره در هر شهرستان، فقط در همان شهرستان دارای اعتبار خواهد بود و قابل استفاده در شهرستان دیگر نمی باشد و در صورتی که نظر کمیسیون نیز قبول درخواستها باشد، پروانه صادر می گردد و رأی کمیسیون نمایش قطعی است و ادارات مربوطه، موظف به اجرای آن هستند.

تبصره الحاقی ماده ۳۲:

تبصره- تعیین درجه سینماها و تئاترها، از وظایف کمیسیون نمایش است.

ماده ۳۴- ورود کودکانی که سنشان کم تر از هفت سال است، در کلیه سینماها ممنوع است. ضمناً کمیسیون نمایش، فیلمهایی را که مشاهده آنها برای کودکان بین هفت تا پانزده سال مناسب نباشد، مشخص نموده و نظریه خود را در پروانه صادره ذکر خواهد نمود و متصدیان سینماها و مأمورین انتظامی، موظفند هنگام نمایش این گونه فیلمها، از ورود کودکانی که سنشان کم تر از پانزده سال است، جلوگیری نمایند و با نصب تابلو، مراتب را در جلو در ورودی سینما به اطلاع عموم برسانند.

تبصره ۱- متصدیان سینماها، بلااستثنا موظف خواهند بود که در روزهای جمعه و تعطیلات

رسمی و اعیاد، از ساعت ۸ صبح تا ساعت چهار بعد از ظهر (ساعت ۱۶)، فیلمهایی را که طبق نظر کمیسیون نمایش برای کودکان کم تر از پانزده سال مناسب تشخیص داده شده است، نمایش دهند.

تبصره ۲- امور اداری کمیسیون نمایش، از طرف دبیرخانه کمیسیون - که اعضای آن از طرف وزارت کشور انتخاب می گردد - انجام می شود.

ماده ۵۱- بازدید فیلم در مرکز، به وسیله نمایندگان اعضای کمیسیون نمایش مندرج در ماده ۲ انجام می شود و نمایندگان مذکور، نظر خود را از لحاظ فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، انتظامی، سیاسی، با تنظیم صورت مجلس به کمیسیون اصلی نمایش گزارش می دهند.

تبصره - بازدید فیلم و تنظیم صورت مجلس، با حضور اکثریت نمایندگان کمیسیون نمایش انجام می گیرد.

ماده ۵۲- کمیسیون اصلی نمایش، با توجه به گزارش مأمورین بازدید فیلم، در ظرف بیست روز قبول یا رد نمایش فیلم را اعلام می دارد.

تبصره ۱- چنانچه فیلمی مورد بازدید کمیسیون قرار گرفت و با نمایش آن مخالفت شد و سینما بدون توجه به رأی کمیسیون، آن را نمایش داد، برای مرتبه اول، سینما به مدت یک هفته و در مرتبه دوم به مدت پانزده روز، برای سومین بار برای همیشه تعطیل خواهد شد.

ضمناً هرگاه پس از بازدید فیلم، قسمتی از آن حذف گردید و متصدی سینما بدون توجه به نظر کمیسیون، قسمت حذف شده را نمایش داد، پروانه



فیلم مذکور برای همیشه در سراسر کشور لغو می‌گردد.

وزیر کشور

کنیل وزارت دادگستری

سیاستهای فرهنگی سینما

با نگاهی به اسناد دهه ۱۳۲۰ش/دهه ۱۹۴۰م. و شواهد تاریخی، ملاحظه می‌گردد که به رغم استفاده‌های منفی و غیراخلاقی از فیلم پس از ورود آن به کشورمان، در مواردی نیز جنبه‌های مثبت، اخلاقی و آموزشی آن به کار گرفته شده است. چنانکه نامه شرکت سینمای اوستفیلیم به رئیس معارف، نشانگر نمایش فیلم آموزشی حیوانات منطقه آفریقا با عنوان «ترادرهون یا اسرار جنگلات آفریقا» در سینما ایران، برای استفاده معلمان و دانش‌آموزان می‌باشد؛ چنانکه در این سند آمده است:

مؤسسه استفیلیم - که سینما ایران و بالاس را در طهران اداره می‌کشد - هر فرصتی را غنیمت شمرده و به قدر امکان سعی در تهیه و نمایش فیلمهای علمی و اخلاقی و تحصیلی می‌نماید. اینک، یکی از فیلمهای بسیار جالب توجه عالم را موسوم به فیلم ترادر هورن یا اسرار جنگلات آفریقا - که بهترین درس حیوان شناسی برای معلمین و متعلمین محترم مدارس است - در نظر دارد که روز پنجشنبه آتیه و جمعه آتیه، یک سانس فقط روزها از ساعت ۲ بعدازظهر در سینما ایران به

معروض نمایش عموم بگذارد؛ و به وسیله این عریضه، آن مقام محترم را مسبوق و مستحضر نموده، تمنا دارد در صورت امکان، محصلین محترم مدارس را تشویق و ترغیب به ملاحظه این فیلم علمی فرمایند که این اقدام این مؤسسه نیز از خدمت به معارف مملکتی بی‌بهره و نصیب نماند.^{۲۷}

عبدالحسین سپنتا، سازنده و بازیگر موفق فیلم دختر لر، به عنوان نماینده رسمی امپریال فیلم کمپانی بمبئی در ایران نیز، طی نامه‌ای به وزارت معارف و اوقاف، خواستار حمایت آن وزارتخانه برای تبدیل فیلمهای صحی و تربیتی برای نمایش در کشورمان گردیده و نوشته است:

«... به طوری که دفتر مرکزی امپریال فیلم بمبئی اطلاع می‌دهد، چون فیلمهای صحی و تربیتی، عموماً جنبه خصوصی دارد و ممکن است مورد توجه عموم واقع نگردد و ضمناً مستلزم مخارج زیادی می‌باشد، کمپانی می‌تواند بنا بر دستور مخصوص وزارت معارف، فیلمهای مزبور را به زبان فارسی تهیه و در قیمت، صدی بیست تخفیف قائل گردد.»^{۲۸}

همچنین، سند دیگری از وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نشانگر توجه و اهتمام مسئولان این وزارتخانه در خصوص خرید دستگاه و تجهیزات پخش فیلم در سالن دانشسرای مقدماتی، به منظور بالا بردن کیفیت آموزش آن دانشسرا می‌باشد؛ به طوری که در متن آن آمده است:^{۲۹}

فرهنگ تبلیغات و توزیع

در صنعت سینمای ایران، تولیدکننده فیلم را می‌ساخت، توزیع کننده به سلیقه خود روشهای تبلیغاتی را به کار می‌بست و نمایش دهنده (سالنهای سینما)، فیلم را به نمایش می‌گذاشتند. اما منش و رفتار فرهنگی‌ای که بروز می‌کرد، منحصرأ بر ملاحظات اقتصادی استوار بود: فروش بیش‌تر به هر ترتیب؛ تماشاگر و فیلم تنها از طریق پل تبلیغات صرفاً مبتنی بر فریب و درآمد بیش‌تر با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کردند. شیوه‌های تبلیغات سینمایی در گذشته، غالباً در قالب پوستر و پلاکارد بود.^{۳۰}

بررسی پیشینه نخستین فیلمهای ایرانی ساخت مهاجران ارمنی در ایران، گواه این مطلب است که فرهنگ واریخته از هر تمدنی را، کیمیاگران بیگانه تبار در ایران شکل داده‌اند. خوب یا بد آن به قضاوت دوستداران سینماست. اما پس از افروخته شدن آتش فیلم و راه افتادن استودیوهایی با اسامی دراز و طویل و نیز پیدایش دانش‌آموختگانی از فرنگ برگشته چون ابراهیم عکاسباشی، هنر فیلم‌سازی در ایران به شکل اصولی از زمان مظفرالدین شاه قاجار شکل گرفت و تثبیت شد.

پی‌نوشتها:

۱- ماهنامه سینمایی فیلم، نمره ۲۵۸، ۱۳۷۹ ش.، ص ۱۰؛ نیز قسمت مقدمه؛ بنگرید به: غلام حیدری، فیلم‌ساخت ایران (فیلم شناسی سینمای ایران)

۱۳۰۹-۱۳۴۰، (تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۳)، ص ۱۵.

۲- برای اطلاع بیش‌تر ر.ک: فانوس خیال: سرگذشت سینمای ایران از آغاز تا انقلاب اسلامی به روایت بی بی سی. به کوشش شاهرخ گلستان. تهران: کویر، ۱۳۷۴.

۳- ماهنامه سینمایی فیلم، پیشین، صص ۱۸۴-۱۸۹. - مظفرالدین شاه قاجار، دومین سفرنامه مبارکه شاهنشاهی. (نسخه خطی) صص ۱۰۰-۱۰۱.

۴- میرزا ابراهیم خان عکاسباشی، پسر میرزا صنیع الدوله بود. صنیع الدوله، عکاسباشی دربار ناصرالدین شاه بود. او، متولد ۱۲۹۱ق. / ۱۸۷۴م. / ۱۲۵۳ش. در تهران و متوفای سال ۱۳۳۳ق. / ۱۹۱۵م. / ۱۲۹۴ش. در چابکسر قزوین است. میرزا ابراهیم خان عکاسباشی، در زمان سلطنت احمدشاه، نام خانوادگی «مصور رحمانی» را انتخاب کرد و به هنگام مرگ ۴۱ سال داشت.

۵- میرزا ابراهیم صحاباشی، پسر میرزا تقی خان صحاباشی.

۶- مهدی روسی خان (ایوانف)، در سال ۱۲۹۲ق. / ۱۸۷۵م. / ۱۲۵۴ش. در تهران متولد شد. پدرش انگلیسی و مادرش تاتار روس بود. او، مدتی شاگرد عبدالله میرزا قاجار بود که بعد از فوت مظفرالدین شاه و آغاز سلطنت محمدعلی شاه و کنار رفتن میرزا ابراهیم خان عکاسباشی، به ریاست بخش عکاسی دارالفنون و همچنین مقام عکاسباشی دربار دست یافت.

۷- آرناتس پاتماگریان - که در بین مردم به اردشیرخان شهرت داشت - در سال ۱۸۶۳م. / ۱۲۸۰ق. / ۱۲۴۲ش. متولد شد. وی، از ارمنیهای تبریز بود و به وثوق‌التجار ملقب شد.

۸- آنتوان خان سوریوگین، از عکاسان معروف و هنرمند تبریز و تهران بود. وی، گرجی است ولی در ایران به روس بودن شهرت یافته بود.

۹- پس از میرزا ابراهیم خان عکاسباشی و روسی خان، خانابا معتضدی به عنوان سومین فیلمبردار در تاریخ سینمای ایران وارد کار شد. وی، در ۱۳۱۰ق. / ۱۸۹۲م. / ۱۲۷۱ش. در تبریز متولد شد و در کودکی همراه با خانواده‌اش به تهران مهاجرت کرد. جهت تحصیل عازم فرانسه شد و ضمن تحصیل، در استودیوی گومون مشغول به کار شد و به فنون فیلمبرداری آشنا گردید. تصمیم اولیه خانابا، این بود که نمایشهای ویژه بانوان را ترتیب دهد که از تماشای فیلم در سینماها محروم بودند. به همین جهت، فکر ایجاد سالنی ویژه بانوان در ذهنش قوت گرفت. خانابا معتضدی، در سال ۱۳۶۵ش. / ۱۹۸۶م. در سن نود و پنج سالگی در تهران درگذشت. (پرشیا فیلم: دایره المعارف الکترونیکی سینمای ایران)

۱۰- غلیتقی وزیری: در سال ۱۳۰۴ق. / ۱۸۸۷م. / ۱۲۶۶ش. در تهران به دنیا آمد. پدرش افسر بود و او هم به خدمت نظام درآمد. وی، آموزش تار را پیش دانی خود حسینقلی، در سن پانزده سالگی آموخت. او، در سال ۱۳۰۳ش. / ۱۹۲۴م. کلبوب موزیکال را تأسیس کرد. ریاست مدرسه موسیقی در سال ۱۳۰۷ش. / ۱۹۲۸م. به وی محول شد. در سال ۱۳۱۳ش. / ۱۹۳۴م. توانست درس سرود را در برنامه درسی ابتدائی بگنجانند. وی، استاد ممتاز دانشگاه بود و در سال ۱۳۵۸ش. / ۱۹۷۹م. درگذشت.

۱۱- اوانس اگانیانس: یک مهاجر ارمنی روس بود که پس از اتمام تحصیلاتش در رشته سینما در هنرستان سینمائی مسکو، در سال ۱۳۰۸ش. / ۱۹۲۹م. از

طریق مشهد وارد ایران (تهران) شد. او، اولین فیلمساز و فیلمنامه‌نویس، تدوین‌کننده، و اولین مدرس سینما و بازیگری در ایران بود. درسالهای پایانی عمر خود مطبوعی دایر کرد و در سال ۱۳۴۰ش. / ۱۹۶۱م. درگذشت. طبق ۲ برگ سند به شماره ۲۹۷۰۳۵۰۵۹، طراح پروژه تأسیس انستیتو سینما و مدرسه تئاتر، اوانس اگانیانس بوده و همچنین چارت پروژه تهیه و تدوین فیلمبرداری ناطق در ایران، به عهده نامبرده بوده است. اوانس اگانیانس. *زندگی و سینما*، جمال امید، صص ۸، ۹ و ۱۱؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۷۰۳۵۰۵۹.

۱۲- جمال امید، *عبدالحسین سپتتا: زندگی و سینما* (تهران: قاریاب، ۱۳۶۳)، صص ۱۱، ۱۲ و ۱۳.

عبدالحسین سپتتا، در ۴ خرداد ۱۲۸۶ش. / ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ق. / ۲۶ مه ۱۹۰۷م. در خیابان واگونخانه تهران (اکباتان کنونی) متولد شد. پدرش، غلامرضاخان فرزند ابوطالب و به نام اجدادش شیروانی معروف بود. مادر عبدالحسین سپتتا، شوکت شیرازی، دختر شیخ فخرالدین شیرازی از خانواده مشایخ امام جمعه شیراز بود. تحصیلات سپتتا، بدو در مدرسه سن لویی و سپس در مدرسه زرتشتیان تهران، استیورت مموریان کالج اصفهان و کالج امریکائی تهران صورت گرفته است. سپتتا، در این دوره نام خانوادگی نداشت و در مدرسه به نام «عبدالحسین شیرازی» شهرت داشت. در آغاز سال ۱۳۰۶ش. / ۱۹۲۷م. عبدالحسین فرزند غلامرضا شیروانی ملقب به شیرازی، نام خانوادگی سپتتا را برای خود انتخاب کرد.

۱۳- *فانوس خیال به روایت بی بی سی* (کویر)، صص ۲۸-۲۸.

- ۱۴ - فیلمنامه دختر لُر، چاپ بمبئی، ۰۱۲۲۰۱۱۷، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۷۰۱۷۰۹۶.
- ۱۵ - آگهی شروع فیلم «دختر لُر»، روزنامه ایران، (سی ام آبانماه ۱۳۱۲)، شماره ۴۲۴۹.
- ۱۶ - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند نظامنامه سینماها، شماره سند ۲۹۰۰۰۵۹۰۳.
- ۱۷ - اصل: می‌بایستی.
- ۱۸ - اصل: نمایشات.
- ۱۹ - اصل: نمایشات.
- ۲۰ - اصل: می‌بایست.
- ۲۱ - اصل: ناسوز.
- ۲۲ - دماسنج.
- ۲۳ - چراغ قوه.

- ۲۴ - سرود ملی.
- ۲۵ - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۱۰۰۳۶۸۷ و ۲۹۰۰۰۳۵۲۸.
- ۲۶ - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۷۰۳۵۰۵۹.
- ۲۷ - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۷۰۱۵۷۶۰ و ۲۹۷۰۰۰۵۱۱.
- ۲۸ - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۷۰۱۵۷۶۰.
- ۲۹ - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۷۰۱۵۷۶۰.
- ۳۰ - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۷۰۳۴۸۸۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

"THE DAUGHTER OF A LORE"

OR

IRAN OF YESTERDAY

AND

IRAN OF TO-DAY

THE FIRST PERSIAN MUSICAL TALKIE

BY

THE PERSIAN FILM COMPANY

AT

The Imperial Film Company

OF BOMBAY

Under the Direction of

KHAN BAHADUR ARDESHIR M. IRANI

PROPRIETOR

IMPERIAL FILM COMPANY

of BOMBAY.

Shums, Bombay, 3

تصویر صفحه اول فیلمنامه دختر لر

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، معاونت اسناد ملی، شماره سند ۲۹۷۰۱۷۰۹۶

فصلنامه گنجینه اسناد ۶۵ (بهار ۱۳۸۶)

۶۲

تحقیقات تاریخی